



حوزه علمیه قم

گزارشی از تحولات حوزه علمیه قم از بازتأسیس تا پس از پیروزی انقلاب اسلامی

• هفته‌نامه افق حوزه • دوشنبه • ۲۱ آبان ۱۴۰۳ • ۹ جمادی‌الأول ۱۴۴۶ • شماره پنجم

ستاد کنگره بین‌المللی یکصد سالگی بازتأسیس حوزه علمیه قم در راستای برگزاری این کنگره و غنای محتوایی آن، با همکاری معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه، سلسله نشست‌هایی را مرتبط با موضوع یکصدمین سالگرد بازتأسیس حوزه علمیه قم برگزار می‌کند. هفته‌نامه افق حوزه در پنجمین شماره ویژه‌نامه «حوزه صد ساله» گزارشی از این نشست‌ها را در چهار صفحه ضمیمه نشریه منتشر می‌کند.

• مدرسه علمیه آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی قم

- گفت‌وگو با آیت‌الله محمدجواد فاضل لنکرانی
- صدسالگی تأسیس حوزه علمیه قم
- نقش آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری رحمته‌الله در علم اصول / ۱
- حجت‌الاسلام والمسلمین واضی آشتیانی
- نگاهی به نقش علما در ترویج و تعمیق فرهنگ عزاداری سیدالشهدا علیه‌السلام در یکصد سال اخیر / ۲
- معرفی نشریات سده حوزه / ۴

صدسالگی تأسیس حوزه علمیه قم و نقش آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری رحمته‌الله در علم اصول

گفت‌وگو با آیت‌الله محمدجواد فاضل لنکرانی

تلاش‌های خستگی‌ناپذیر خود، در کنار شاگردانش، از جمله امام خمینی رحمته‌الله، به ایجاد مبانی نوین در علم اصول پرداخته و بر تداوم این مسیر علمی تأکید داشتند. این گفت‌وگو به تحلیل آراء اصولی آیت‌الله حائری، روش‌های علمی ایشان و تأثیرات عمیق آنها در تحول علم اصول خواهد پرداخت. با توجه به اهمیت این موضوع، نیاز است که به بررسی دقیق و موشکافانه آثار و اندیشه‌های آیت‌الله حائری پرداخته و دستاوردهای ایشان را در بستر تاریخ حوزه علمیه قم مورد تحلیل قرار دهیم. این رویکرد نه تنها به تبیین جایگاه ایشان در علم اصول؛ بلکه به درک بهتر از تحولات علمی و فکری حوزه علمیه نیز کمک خواهد کرد.

دستیابی به نتیجه قطعی، نیاز به بررسی‌های بیشتری در آثار و مبانی اصولی ایشان وجود دارد. نقش شیخ عبدالکریم حائری و امام خمینی رحمته‌الله در تحولات علم اصول یکی از امتیازهای ویژه مرحوم شیخ عبدالکریم حائری، نه تنها تأسیس حوزه علمیه قم؛ بلکه تأسیس مبانی اصولی جدید در علم اصول است. ایشان با نبوغ خود و شاگردانی برجسته، همچون امام خمینی رحمته‌الله، نقش مؤثری در تحولات این علم ایفا کردند.

• **شیخ عبدالکریم، مؤسس مبانی اصولی**
مرحوم شیخ عبدالکریم حائری، به‌عنوان یکی از مؤسسان اصلی در مباحث اصولی شناخته می‌شود. ایشان، با گذراندن دوران علمی در سامرا و نجف، شاگرد بزرگان آن زمان بود و در نهایت در درس مرحوم آخوند خراسانی شرکت کرد، اما فراتر از جایگاه شاگردی، خود نیز مؤسس مبانی جدیدی در علم اصول شد و در ترویج و توسعه آن تأثیر چشم‌گیری داشت.

• **امام خمینی؛ شاگردی که به قله رسید**
از دیگر دستاوردهای برجسته مرحوم شیخ عبدالکریم، تربیت شاگردانی مانند امام خمینی است. امام خمینی رحمته‌الله، به‌ویژه در مباحث اصولی، پر از نوآوری و ابتکار بود. او در مقایسه با دیگران، مانند مرحوم آیت‌الله خویی که خود در علم اصول در قله بود، ابتکارات بیشتری در این زمینه داشت. بنا به ادعای دقیق و مبتنی بر تحلیل علمی، امام خمینی در حوزه اصول، به‌خصوص در دوره اخیر، پرابهت‌ترین شخصیت به‌شمار می‌آید. بررسی دقیق مباحث اصولی امام خمینی رحمته‌الله، به‌ویژه در مقایسه با شخصیت‌های بزرگ هم‌عصر خود، این نکته را روشن می‌کند که ابتکارات ایشان، هرچند با نبوغ و عظمت آیت‌الله خویی قابل مقایسه است، اما در موارد متعددی از آن فراتر می‌رود.

• **جمع‌بندی: استمرار نوآوری در علم اصول**
با نگاه به آثار و تأثیرات مرحوم شیخ عبدالکریم و شاگرد بزرگ ایشان، امام خمینی رحمته‌الله، به‌وضوح مشخص می‌شود که هر دو شخصیت، علاوه بر اینکه مؤسسان بزرگ در علم اصول بودند، با ابتکارات و دیدگاه‌های نوآورانه خود، این علم را به مرحله جدیدی از تکامل رسانده‌اند.

علم اصول را به‌صورت یک علم منضبط و بر اساس نظم عقلی پیش ببرند. به‌همین دلیل، آن‌ها عقیده داشتند که حکم عقلی تخصیص‌پذیر نیست و باید در همه‌جا جریان داشته باشد. مرحوم شیخ عبدالکریم نیز، با اینکه دارای ذهنی عرفی و روشن در مسائل بود، اما جنبه عقلی بودن مباحث در آراء او به‌وضوح مشاهده می‌شود.

• **بررسی دیدگاه مرحوم شیخ عبدالکریم حائری**
در مورد تعدد اسباب تشریحی

در ادامه مباحث مربوط به علم اصول، یکی از محورهای مهم در آراء مرحوم شیخ عبدالکریم حائری، بحث تعدد اسباب تشریحی است. در این خصوص، مرحوم شیخ عبدالکریم دیدگاهی نزدیک به مرحوم حاج آقا رضای همدانی در کتاب «مصباح الفقیه» دارد. ایشان علل تشریحی را با علل تکوینی قیاس می‌کند و معتقد است که همان‌طور که در علل تکوینی هر علت، معلول مستقل خود را دارد، در علل تشریحی نیز همین قاعده برقرار است. به‌عبارت دیگر، اگر دو علت برای یک غسل وجود داشته باشد، باید دو غسل مستقل انجام شود و تداخل در این زمینه را، به‌حسب قاعده اولی، نمی‌پذیرد.

• **تحلیل نگاه عرفی و عقلی مرحوم شیخ عبدالکریم**
یکی از نکات کلیدی در بررسی آراء اصولی مرحوم شیخ عبدالکریم رحمته‌الله، تعیین این موضوع است که آیا ایشان در مباحث اصول، بیشتر به معیارهای عقلی توجه داشتند یا عرفی بودن مسائل را نیز در نظر می‌گرفتند. این سؤالی است که باید با بررسی دقیق‌تر مباحث اصولی ایشان پاسخ داده شود. به‌طور کلی، از آنچه به نظر می‌رسد، می‌توان گفت که شیخ عبدالکریم در برخی موارد، رویکرد عقلی را ترجیح می‌داده است؛ اما ممکن است در موارد مختلف به‌شیوه‌های متفاوتی عمل کرده باشد. به‌عنوان مثال، یکی از مباحثی که می‌توان به آن اشاره کرد، «بحث شرط متأخر» است که در آثار ایشان به‌وضوح به چشم می‌خورد.

• **نتیجه‌گیری ابتدایی از آراء اصولی شیخ عبدالکریم**
با توجه به مطالعات اجمالی در آراء اصولی ایشان، به نظر می‌رسد مرحوم شیخ عبدالکریم به معیارهای عقلی توجه ویژه‌ای داشته و در بسیاری از مباحث، رویکرد عقلی را بر دیگر معیارها ترجیح می‌داده است؛ البته برای

صدسالگی تأسیس حوزه علمیه قم، یک مناسبت تاریخی و فرهنگی مهم است که نماد پیشرفت و توسعه علوم دینی در ایران به‌شمار می‌آید. این نهاد علمی، با تأسیس مرحوم آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری، پایه‌گذار تحولات شگرفی در عرصه فقه و اصول گردید. ایشان با ورود به قم، روح تازه‌ای به این حوزه بخشیدند و در طول دوران حیات علمی خود، نه تنها شاگردان برجسته‌ای تربیت کردند؛ بلکه مبانی اصولی جدیدی نیز ارائه دادند که تأثیرات عمیقی بر علم اصول داشت. در این گفت‌وگو با آیت‌الله محمدجواد فاضل لنکرانی، به بررسی نقش آیت‌الله حائری در شکل‌گیری و توسعه حوزه علمیه قم و تأثیرات ایشان در علم اصول خواهیم پرداخت. آیت‌الله حائری با نبوغ و

که نه تنها آراء دیگران را نقد و بررسی می‌کنند؛ بلکه خود صاحب مبانی جدید و مستقل در علم اصول هستند.

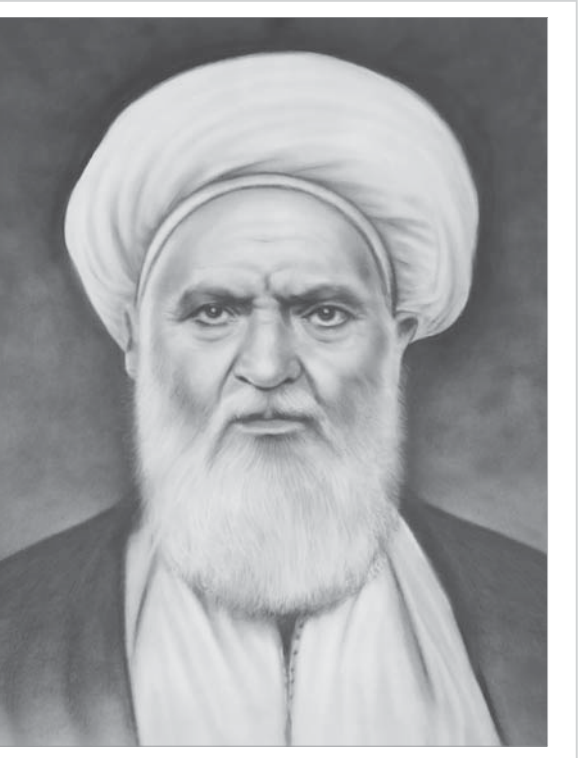
• **تحلیل آراء اصولی آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری**
در ادامه بحث پیرامون مرحوم آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری، باید تأکید کرد که ایشان در دسته‌بندی گروه دوم از بزرگان اصول جای می‌گیرد. این گروه نه تنها ویژگی‌های مشترکی با گروه اول دارند که به آراء دیگران پرداخته و آنها را نقد می‌کنند؛ بلکه خود صاحب مبانی جدیدی در علم اصول هستند و این امتیاز بزرگ را با خود به‌همراه دارند.

• **اشراف مرحوم شیخ بر آراء اصولی**
کسی که بر آراء اصولی مرحوم شیخ تسلط و اشراف داشته باشد، درمی‌یابد که ایشان نه تنها مؤسس حوزه علمیه قم بود؛ بلکه در علم اصول نیز به‌عنوان یک مؤسس و بنیان‌گذار تلقی می‌شود. اگر بخواهیم تحلیل دقیقی از روش‌های ایشان در علم اصول ارائه دهیم، باید بگوییم که مبانی ایشان به دو روش مختلف قابل بررسی است.

• **روش تحلیل عقلی و عرفی در اصول**
اولین روش، بررسی نکاتش مرحوم شیخ به عقل و استدلال عقلی است. در این زمینه می‌توان گفت که ایشان به عقل و بنای عقلا توجه خاصی داشتند. به‌عنوان مثال، وقتی آثار اصولی مرحوم نائینی را مرور می‌کنیم، می‌بینیم که او عمدتاً با یک ذهن روشن و عرفی وارد مباحث می‌شود و نتایج خود را به این شکل استنباط می‌کند. اما در خصوص شیخ عبدالکریم، این سؤال پیش می‌آید که آیا او نیز مانند دیگر بزرگان اصول، اسباب و علل تشریحیه را همانند اسباب و علل تکوینی می‌دانست؟

شیخ عبدالکریم معتقد بود که اسباب تشریحیه، همانند اسباب تکوینی است؛ همان‌گونه که در علت‌های تکوینی شرط متأخر محال است، در تشریح نیز این محال بودن وجود دارد. این نگاه عقلی به مسأله‌ای چون تشریح، مشترک با دیگر بزرگان همچون شیخ انصاری و آخوند خراسانی رحمته‌الله است و حتی در مبانی نائینی رحمته‌الله نیز می‌توان این دیدگاه را مشاهده کرد.

• **تلاش برای نظم عقلی در اصول**
بسیاری از فقها مانند آیات نائینی و خویی رحمته‌الله به دنبال این بودند که



«يَسْمَعُ اللَّهُ الرَّخْمَنَ الرَّحِيمَ، اَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَي سَيِّدِنَا وَرَبِّنَا اَبُوَالْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الظَّاهِرِينَ الْمُعْضُومِينَ، سَيِّمًا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَي أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْأَنِّ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

ابتدا لازم می‌دانم از جناب عالی و معاونت محترم پژوهشی، جناب آقای مقیمی و همچنین از مدیریت محترم حوزه، آیت‌الله اعرافی، تشکر ویژه داشته باشم. این مجموعه در صدمین سال تأسیس حوزه علمیه قم، به‌شایستگی، به بیان تاریخ این نهاد ارزشمند و تأثیرگذاری‌های مؤسس معظم آن، مرحوم آیت‌الله‌العظمی شیخ عبدالکریم حائری پرداخته است. ایشان در دومین هجرت خود به ایران، با ورود به قم، جان تازه‌ای به حوزه علمیه بخشیدند و شاگردان برجسته‌ای را پرورش دادند که آثار علمی و فکری ماندگاری از خود به جا گذاشتند.

همان‌گونه که شما اشاره کردید، موضوع بحث بنده نیز در همین راستا و مربوط به مسائل اصولی است. مرحوم شیخ عبدالکریم حائری ابعاد متعدد و تأثیرات گسترده‌ای در زمینه‌های فقهی و حتی جریان‌های سیاسی زمان خود داشتند. از جمله مهم‌ترین دستاوردهای ایشان، حفظ و توسعه حوزه علمیه قم بود، اما عمده بروز علمی ایشان، در علم اصول جلوه‌گر است. با توجه به اساتید برجسته‌ای که مرحوم حاج شیخ در سامرا و نجف داشتند و با در نظر گرفتن نبوغ و استعداد فوق‌العاده‌ای که در ایشان وجود داشت، می‌توان گفت همان‌طور که ایشان مؤسس حوزه علمیه قم در صد سال پیش بودند، در علم اصول نیز مؤسس آراء جدیدی به‌شمار می‌روند. برخی از بزرگان اصول، همچون شیخ انصاری، آخوند خراسانی، مرحوم نائینی و مرحوم اصفهانی را که به تأسیس مبانی جدید در علم اصول پرداختند، می‌توان در یک دسته‌بندی خاص قرار داد. به نظر من، مرحوم آیت‌الله شیخ عبدالکریم نیز باید در همین گروه دوم قرار گیرد؛ یعنی کسانی

می‌گفت: «ما در این مراسم عزاداری به‌عنوان سیاهی‌لشکر نمی‌آییم؛ بلکه هدف ما این است که جلسه عزاداری امام حسین ^{علیه} رونق پیدا کند و لشکر سیدالشهدا ^{علیه} بیشتر شود.» این جمله نشان می‌دهد که حضور ایشان در عزاداری‌ها نه‌تنها یک حضور ظاهری؛ بلکه حضور با هدف و نیت خاص بوده است.

علاوه بر این، علامه طباطبایی در مسیر سیر و سلوک عرفانی تأکید داشت که برای رسیدن به قرب الهی و درک مقام‌های عرفانی، دو راه بیشتر وجود ندارد: یکی حرم امام حسین ^{علیه} و دیگری روضه امام حسین ^{علیه}. این تأکید نشان‌دهنده اهمیت ویژه‌ای است که ایشان برای مراسم عزاداری و توسل به امام حسین ^{علیه} قائل بودند.

• آیت‌الله‌العظمی‌مرعشی‌نجفی^{علیه}

مرحوم حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی ^{علیه} نیز در کنار امام خمینی ^{علیه} که با ایشان هم‌اتاق و هم‌حجره بوده، در دوران جوانی با ایشان در مجالس عزاداری شرکت می‌کرد. ایشان در خاطرات خود گفته‌اند که در شب عاشورا تا صبح، روضه‌خوانی و در کنار امام خمینی ^{علیه} گریه می‌کردند. این خاطره نه‌تنها به رابطه عاطفی و معنوی ایشان با امام خمینی ^{علیه} اشاره دارد؛ بلکه عمق ارادت ایشان به سیدالشهدا ^{علیه} و عزاداری‌های ایشان را نشان می‌دهد.

علاوه بر این، آیت‌الله مرعشی نجفی ^{علیه} در وصیت‌نامه خود، از خانواده‌اش خواسته بود که در هنگام درگذشت وی، عمامه‌اش را باز کنند و در مراسم عزای سیدالشهدا ^{علیه} شرکت کنند. همچنین، یکی از درخواست‌های ایشان این بود که دستمالی که در آن برای سیدالشهدا ^{علیه} اشک ریخته‌اند، در قبرش دفن شود. این نشان‌دهنده عمق محبت و ارادت ایشان به امام حسین ^{علیه} و عزاداری‌های مربوط به آن حضرت است.

• علامه‌امینی^{علیه}

مرحوم علامه امینی نیز در عزاداری‌ها حضور داشت و چنان تحت تأثیر مرثیه‌خوانی قرار می‌گرفت که صورتش سرخ می‌شد. ایشان چنان در عزاداری‌های سیدالشهدا غرق می‌شد که برخی از مداحان و منبری‌ها از خواندن روضه‌های داغ و مکشوف در حضور ایشان می‌ترسیدند. این برخورد نشان‌دهنده تأثیر عمیق این مراسم‌ها بر روح و دل ایشان بود.

• توصیه‌های آیت‌الله میرزا جوادآقای ملکی تبریزی و آیت‌الله کوهستانی^{علیه}

همچنین مرحوم میرزا جوادآقای ملکی تبریزی تأکید می‌کردند که در ماه محرم باید عزاداری امام حسین ^{علیه} را رونق بخشید و همه باید در این مراسم‌ها حضور پیدا کنند. این توصیه‌ها نه‌تنها برای کسانی بود که در سطح علمی قرار داشتند؛ بلکه به همه مردم اعم از کوچک و بزرگ و زن و مرد توصیه می‌کردند که در عزای امام حسین ^{علیه} شرکت کنند.

آیت‌الله کوهستانی نیز در شب‌های محرم به مردم توصیه می‌کرد که از تمام اقشار اجتماعی در عزای امام حسین ^{علیه} حضور پیدا کنند و نشان دهند که این عزاداری تنها مخصوص گروه خاصی نیست؛ بلکه همه انسان‌ها باید در این مراسم‌ها حضور داشته باشند و در این شهادت‌خواهی شریک شوند.

• نتیجه‌گیری

با توجه به سخنان این بزرگان، می‌توان گفت که مرثیه‌خوانی و مقتل‌خوانی در حوزه‌های علمیه نه‌تنها یک سنت مذهبی بلکه یک وظیفه دینی بوده است. علما و مراجع دینی با حضور در این مراسم‌ها و تشویق مردم به شرکت در آن‌ها، نشان دادند که عزاداری امام حسین ^{علیه} از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و باید در تمام اقشار جامعه ترویج و گسترش یابد.

• نقش علما در احیای

• مرثیه‌خوانی و مقتل‌خوانی سیدالشهدا^{علیه}

در یکصد سال اخیر، علمای حوزه‌های علمیه نقش برجسته‌ای در احیای مرثیه‌خوانی، مقتل‌خوانی و عزاداری سیدالشهدا ^{علیه} ایفا کرده‌اند. این تلاش‌ها نه‌تنها در برگزاری مراسم عزاداری بلکه در تألیف کتاب‌های مقتل و ایجاد فضایی معنوی برای نزدیک‌تر شدن به اهل بیت ^{علیهم} بوده است.

• وصیت‌نامه‌های علما: تأکید بر عزاداری برای سیدالشهدا^{علیه}

بسیاری از علما در وصیت‌نامه‌های خود به خانواده‌ها و فرزندانشان توصیه می‌کردند که هیچ‌گاه از عزاداری امام حسین ^{علیه} غفلت نکنند. آیت‌الله محمد قانی ^{علیه} به فرزند خود سفارش می‌کرد که تا آخرین لقمه غذا، از برگزاری مجالس روضه در منزل غافل نشوند. همین‌طور مرحوم آیت‌الله مرعشی نجفی به خانواده‌اش توصیه می‌کرد که در شب‌های پنجشنبه و جمعه، مراسم عزاداری سیدالشهدا ^{علیه} را فراموش نکنند.

• احیای مراسم عزاداری در خانه‌ها و اجتماعات عمومی

علمای بزرگی همچون آیت‌الله بربری بزرگ و آیت‌الله العظمی گلپایگانی ^{علیه} در ترویج عزاداری امام حسین ^{علیه} نقش ویژه‌ای داشته‌اند. آیت‌الله گلپایگانی، علاوه بر احیای مراسم عزاداری امام صادق ^{علیه} در قم، در ایام مختلف از جمله تاسوعا و عاشورا، مجالس عزای امام حسین ^{علیه} را در خانه خود برگزار می‌کرد.

• حضرت امام خمینی^{علیه} و نقش ایشان در عزاداری

حضرت امام خمینی ^{علیه} نیز به‌عنوان پیشوای انقلاب اسلامی در رأس بزرگترین مراجع و علما، خود همواره در مراسم عزاداری سیدالشهدا ^{علیه} شرکت می‌کرد و حتی بسیاری از مواقع، به‌نشانه تواضع، بر زمین می‌نشست. ایشان نه‌تنها در محافل عمومی بلکه در خانه خود نیز همیشه به اقامه عزای امام حسین ^{علیه} می‌پرداختند.

• تأثیر علمای بزرگ در نوشتن و انتشار مقتل‌ها

در کنار برگزاری مراسم عزاداری، بسیاری از علمای بزرگ حوزه‌های علمیه در تألیف و نگارش مقتل‌نامه‌های معتبر پیشتاز بودند. مرحوم شیخ عباس قمی ^{علیه} یکی از معروف‌ترین علمای مقتل‌نگار بود که کتاب «نفس‌المهموم» را در خصوص مصیبت سیدالشهدا ^{علیه} نوشت. همچنین سید عبدالرزاق موسوی مرقم و شیخ عبدالکریم حائری ^{علیه}، از دیگر علمای بزرگی هستند که در نوشتن مقتل‌های مختلف برای معصومین ^{علیهم} تلاش کردند.

• نقش علما در نشر فرهنگ مرثیه‌خوانی و مقتل‌خوانی

علمای بزرگی همچون آیت‌الله بروجردی ^{علیه} نیز در نشر فرهنگ مرثیه‌خوانی فعال بودند. ایشان خود گلی از خاک عزاداران امام حسین ^{علیه} برداشتند و آن را بر چشمان خود گذاشتند تا در روز چشم‌رهایی یابند. این اقدامات نشان‌دهنده جایگاه ویژه عزاداری برای امام حسین ^{علیه} در زندگی علمی و روحی علما و برجسته است.

• نتیجه‌گیری: اهمیت عزاداری و مقتل‌خوانی در زندگی علمی علما

تمام این شواهد نشان‌دهنده اهمیت بالای مرثیه‌خوانی، مقتل‌خوانی و اقامه عزای سیدالشهدا ^{علیه} در زندگی علمای بزرگ است. این علما با برگزاری مراسم در خانه‌ها و مجالس عمومی، نوشتن مقتل‌های معتبر و تأکید بر اهمیت این سنت‌های مذهبی، نقشی بی‌بدیل در گسترش فرهنگ عاشورا ایفا کرده‌اند.

در این است این تلاش‌های علمای دینی، به‌ویژه در یکصد سال اخیر، همچنان ادامه یابد و عزاداری برای سیدالشهدا ^{علیه} در هر زمان و مکانی پزنگ‌تر از قبل برگزار شود.

ویرایش و تنظیم حمید کرمی



به عزاداری‌ها راه پیدا کرده و باعث تغییراتی در شکل و محتوای عزاداری‌ها شد. این تغییرات ممکن است، به‌ویژه از جنبه‌های شکلی، محتوایی و توسعه مراسم ایجاد شده باشند.

• تأثیر علما در نهادینه‌سازی عزاداری

نکته بسیار مهم این است که در دوران قاجار، علما با تشویق و هدایت مردم به‌طور ویژه بر اهمیت عزاداری سیدالشهدا ^{علیه} تأکید می‌کردند. اگر این علمای بزرگ نبودند، نه‌تنها پادشاهان قاجار؛ بلکه مردم عادی نیز نمی‌دانستند که چه وظیفه‌ای در قبال عاشورا و محرم دارند. در واقع، علمای دینی با ایجاد انگیزه و تشویق مردم به برپایی مراسم عزاداری و همچنین وقف املاک برای عزای سیدالشهدا ^{علیه}، این سنت را در جامعه نهادینه کردند. وقف اموال توسط مردم برای برگزاری عزاداری‌ها و کمک به پیشبرد مراسم، نشان‌دهنده اهمیت بالای عزاداری در آن دوران بود.

• نتیجه‌گیری

در نتیجه، در دوران قاجار با حمایت و هدایت‌های علما، عزاداری سیدالشهدا ^{علیه} به یک سنت نهادینه و گسترده تبدیل شد. علمای بزرگی همچون آیت‌الله شیرازی، آیت‌الله آشتیانی و آیت‌الله بهبهانی ^{علیهم} نقش به‌سزایی در این مسیر داشتند و با توصیه‌ها و هدایت‌های خود، نه‌تنها مراسم عزاداری را رونق بخشیدند؛ بلکه آن را به یکی از ارکان مهم فرهنگ شیعه تبدیل کردند.

• سیر اجمالی پیرامون نقش علما

در تقویت رثاء و مرثیه در یکصد سال اخیر

در این بخش، قصد داریم، به نقش علما در تقویت رثا و مرثیه در حوزه‌های علمیه و مقتل‌خوانی در یکصد سال اخیر بپردازیم. همان‌طور که می‌دانید، در یکصد سال گذشته، تحولات سیاسی و اجتماعی زیادی در ایران رخ داده است که بر فرهنگ عزاداری و مرثیه‌خوانی تأثیر گذاشت.

• پیشینه رثاء و مرثیه و نقش علما

قبل از ورود به جزئیات، باید یادآور شویم که رثا و مرثیه و به‌ویژه مقتل‌خوانی، در گذشته‌ای دور در حوزه‌های علمیه و در میان علما به‌عنوان یکی از ارکان مهم فرهنگی و دینی شناخته شده بود. این‌گونه مراسم به‌ویژه در ایام محرم و صفر، ارتباط معنوی میان جامعه و اهل‌بیت ^{علیهم} را تقویت می‌کرد و از دوران صفویه به بعد در حوزه‌های علمیه ایران توسعه یافت.

• تحولات در یکصدسال اخیر

در این مدت، ما شاهد تحولات بسیاری در ایران بوده‌ایم؛ از جمله سقوط قاجاریه و ظهور پهلوی. این تغییرات سیاسی به‌ویژه در دوران حکومت رضاخان، بر عزاداری‌ها و مرثیه‌خوانی‌ها تأثیر زیادی داشت. رضاخان به‌ویژه با ممنوعیت عزاداری‌ها و حتی تلاش برای مقابله با چادر و حجاب، سعی در تغییرات اجتماعی داشت.

اما در این دوران، علما و بزرگان حوزه‌ها در مقابله با این فشارها به تلاش‌های خود ادامه دادند و توانستند، عزاداری و مرثیه‌خوانی را احیا کنند. تلاش‌های آن‌ها باعث شد که امروز عزاداری‌های گسترده‌ای در ایران و دیگر نقاط جهان به‌ویژه در ایام محرم و صفر برگزار شود.

• نقش آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری^{علیه} در احیای عزاداری

یکی از علمای برجسته این دوره، آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری ^{علیه} (مؤسس حوزه علمیه قم) بود. وی نقش مهمی در تقویت مرثیه‌خوانی و مقتل‌خوانی داشت. مرحوم شیخ عبدالکریم، حتی در زمان تحصیل در سامرا، به‌محض ورود به ایام محرم، دسته‌های سینه‌زنی تشکیل می‌داد و خود شخصاً در این مراسم‌ها شرکت می‌کرد. وی همچنین در ایام عاشورا در دهه اول محرم، نوحه‌خوانی می‌کرد و طلبه‌ها را به سمت حرم‌های اهل‌بیت ^{علیهم}، از جمله حرم امام هادی و امام عسکری ^{علیهم} هدایت می‌کرد. این اقدامات نشان‌دهنده تلاش‌های بی‌وقفه علما برای حفظ و تقویت فرهنگ عزاداری و مرثیه‌خوانی در برابر تهدیدات سیاسی و اجتماعی بود.

• ویژه‌نامه حوزه صد ساله / ۵

ادامه از صفحه قبل

• تشویق و هدایت علما به صفویه

علما و شخصیت‌های برجسته علمی در عصر صفویه نقش اساسی در تقویت عزاداری سیدالشهدا ^{علیه} و تشویق مردم به پیاده‌روی به کربلا داشتند. که به برخی از این شخصیت‌ها اشاره می‌شود:

• شیخ بهایی ^{علیه}، یکی از بزرگترین علمای دوران صفویه که به شاه‌عباس و دربار صفوی توصیه می‌کرد که به عزاداری برای سیدالشهدا ^{علیه} و تقویت مراسم‌های مذهبی توجه بیشتری داشته باشند.

• مقدس اردبیلی ^{علیه} که در حوزه‌های علمی و دینی تأثیر زیادی داشت و با توصیه‌هایش، توجه به عزاداری سیدالشهدا ^{علیه} را افزایش داد.

• ملاصدرا، استرآبادی، میرداماد و مجلسی ^{علیهم} (هم پدر و هم فرزند)، از دیگر علمای بزرگ بودند که به‌طور مداوم به تقویت عزاداری‌ها و شادایی مراسم مذهبی در دربار صفوی تأکید داشتند. این علما نه‌تنها در خطابه‌ها و نوشته‌های خود به اهمیت عزاداری اشاره می‌کردند؛ بلکه خود نیز در مراسم‌ها شرکت می‌کردند و به مردم توصیه می‌کردند که لباس سیاه بپوشند و در خانه‌های خود مجالس عزاداری برقرار کنند.

• نقش مهم علما در گسترش عزاداری عمومی

در این دوران، بسیاری از علما با تقویت و حمایت از مراسم عزاداری سیدالشهدا ^{علیه} به مردم توصیه می‌کردند که عزاداری‌ها را در خانه‌ها و مدارس برگزار کنند و برای گرمی‌داشت یاد امام حسین ^{علیه} در اجتماع فعال باشند. برخی از علما حتی خودشان نیز در این مراسم‌ها با پوشیدن لباس سیاه و شرکت در مجالس عزاداری نمونه‌ای از تعهد و همدلی با مردم را نشان می‌دادند.

• پیشینه مقتل نویسی و مقتل خوانی

در طول تاریخ تشیع، علما همواره به مقتل نویسی و مقتل‌خوانی اهمیت می‌دادند. این روند از زمان اهل‌بیت ^{علیهم} آغاز شد؛ به‌طوری که اصیغ‌بن نباته، یکی از یاران ویژه امیرالمؤمنین علی ^{علیه} و جابر بن یزید جعفی، اولین کسانی بودند که مقتل امام حسین ^{علیه} را نوشتند. پس از آن، شیخ مفید، شیخ طوسی و دیگر علمای بزرگ نیز در کتاب‌های خود به شهادت امام حسین ^{علیه} پرداخته و اهمیت آن را در حفظ فرهنگ شیعی تبیین کردند.

در دوران‌های بعدی، این طاووس ^{علیه} و دیگر علما همچنان به مقتل‌نویسی و مقتل‌خوانی ادامه دادند. آنها تأکید می‌کردند که این اقدام‌ها نه‌تنها برای زنده نگه‌داشتن یاد امام حسین ^{علیه}؛ بلکه برای تقویت ایمان و اتحاد مسلمانان ضروری است.

• عزاداری در دوران قاجار

با ورود به دوران قاجار، در حدود ۱۳۰ سال حکومت این خاندان بر ایران، مراسم عزاداری سیدالشهدا ^{علیه} با حمایت‌های دولتی و مردمی به شدت گسترش یافت. پادشاهان قاجار نیز به‌طور ضمنی یا صریحاً از برگزاری این مراسم‌ها حمایت می‌کردند. در این دوره، توسعه مراسم عزاداری به‌ویژه در شهرهای بزرگ و مهم مانند تهران و اصفهان به‌وضوح قابل مشاهده بود.

• نتیجه‌گیری

در دوران صفویه و بعدها در دوران قاجار، نقش علما در تقویت عزاداری سیدالشهدا ^{علیه} و تشویق مردم به برپایی این مراسم‌ها و زیارت‌های کربلا و عتبات عالیات، بسیار حیاتی بود. علمای بزرگ همچون شیخ بهایی و مقدس اردبیلی ^{علیهم} به‌طور مستمر عزاداری سیدالشهدا ^{علیه} را یکی از ارکان مهم حفظ اسلام و تشیع می‌دانستند و آن را به‌عنوان یک ابزار فرهنگی و دینی قدرتمند برای تقویت ایمان در جامعه توصیه می‌کردند.

• عزاداری سیدالشهدا^{علیه} در دوران قاجار و نقش علما

در دوران قاجار (از سال ۱۷۵۵ شمسی تا ۱۳۰۴ شمسی)، عزاداری سیدالشهدا ^{علیه} به‌طور چشم‌گیری گسترش یافت و نهادینه شد. این فرآیند در نتیجه تلاش‌ها و توصیه‌های علمای بزرگ آن دوران بود که نقش حیاتی در تقویت و توسعه مراسم عزاداری ایفا کردند.

• علمای برجسته دوران قاجار

چندتن از علمای بزرگ دوران قاجار که تأثیر زیادی بر توسعه عزاداری بر سیدالشهدا ^{علیه} داشتند، عبارتند از:

• آیت‌الله میرزاحسن شیرازی ^{علیه}، یکی از علمای برجسته شیعه

در این دوره؛

- آیت‌الله میرزا محمدحسن آشتیانی ^{علیه} که نقش مهمی در تأسیس و تقویت مراسم‌های عزاداری داشت؛
- آیت‌الله بهبهانی ^{علیه} که با توجه به موقعیت اجتماعی و علمی‌اش تأثیر زیادی در توسعه عزاداری داشت؛
- آیت‌الله سید شفتی ^{علیه} که در راستای تشویق مردم به برگزاری مراسم عزاداری تلاش‌های زیادی کرد؛
- آیت‌الله میرزا حبیب‌الله کاشانی ^{علیه}، یکی دیگر از علمای برجسته این دوره؛

• ملاحمد نراقی و ملامهدی نراقی ^{علیهم} که هر دو به تأسیس مجالس عزاداری و تقویت فرهنگ عزاداری تأکید داشتند.

• محمد حسن نجفی ^{علیه} (صاحب جواهرالکلام) که علاوه بر تألیفات علمی، در زمینه تقویت عزاداری‌ها نیز نقش ایفا کرد.

این علما به پادشاهان قاجار توصیه می‌کردند که باید عزاداری برای سیدالشهدا ^{علیه} را تقویت کنند و با حمایت از این سنت، مردم را به برپایی مراسم‌های عزاداری و همچنین تقویت فرهنگ عاشورا ترغیب می‌کردند.

• توسعه و نهادینه شدن عزاداری در دوران قاجار

در دوران قاجار، عزاداری بر سیدالشهدا ^{علیه} به‌حدی گسترش یافت که نه‌تنها از جنبه‌های ظاهری بلکه از لحاظ محتوایی نیز، دگرگونی‌های قابل توجهی داشت. شکل عزاداری‌ها به‌ویژه در ماه‌های محرم و صفر به‌شکل نهادینه‌ای در جامعه تثبیت شد.

در این دوره، برگزاری مراسم عزاداری با برپایی چادرها و خیمه‌ها، نصب علم‌ها و کتل‌ها (چیزهای نمادین) و راه‌اندازی دسته‌های عزاداری به‌ویژه در شهرهای بزرگ مثل تهران و اصفهان رونق پیدا می‌کرد. مردم و پادشاهان قاجار به‌طور جدی در این مراسم‌ها مشارکت می‌کردند.

• آسیب‌ها و چالش‌ها در عزاداری دوران قاجار

اما گسترش عزاداری در این دوره بدون چالش نبوده است. یکی از نکات قابل توجه این است که در برخی موارد، آسیب‌ها و آفت‌ها

صدسالگی تأسیس حوزه علمیه قم و نقش آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری قزوینی در علم اصول

گفت‌وگو با آیت‌الله محمدجواد فاضل لنکرانی

در مجموع، اگرچه شیخ عبدالکریم ^{رحمته} سعی می‌کرد، قواعد عقلی را در مباحث اصولی پیاده کند، اما امام خمینی ^{رحمته} با نگاهی متفاوت، این رویکرد را رد می‌کرد و معتقد بود که نباید قیاس‌های عقلی به‌طور مستقیم وارد علم اصول شود. این دو دیدگاه، هرچند از دو روش متفاوت برخوردارند، اما هر دو نشان‌دهنده تأثیر عمیق آنها در تطور و تحول علم اصول است.

• نظریه انشائیات مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری

مرحوم شیخ عبدالکریم حائری در نظریه خود درباره الفاظ انشایی، دیدگاه متفاوتی از مشهور دارد. ایشان معتقد است که الفاظ انشایی نه ایجاد تکوینی دارند و نه ایجاد اعتباری. به‌اعتقاد وی، الفاظ انشایی مانند الفاظ خبری، حکایت از یک حقیقت درونی و موجود در نفس می‌کنند.

• **تفاوت انشاء و خبر از منظر مرحوم حائری**
ایشان می‌گویند: الفاظ انشائی، مانند صیغه «افعل» (مثلاً اضرِب)، حکایت از وجود اراده‌ای در نفس متکلم برای انجام فعلی می‌کنند. در صورتی که اراده‌ای در نفس متکلم برای وقوع فعل وجود نداشته باشد، این لفظ دیگر در معنای اصلی خود به کار نرفته و به‌نوعی معنای خود را از دست می‌دهد.

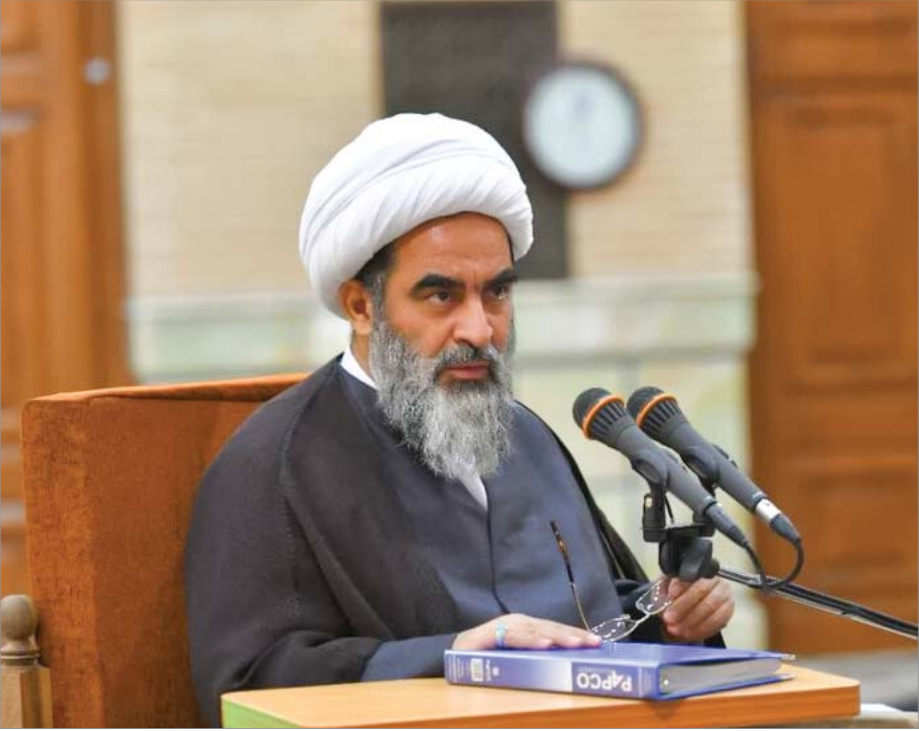
• **نقد نظریه مشهور**
آقای حائری نظریه مشهور که انشاء را ایجاد معنا از طریق لفظ می‌داند، به چالش می‌کشد. مشهور معتقد است که الفاظ انشائی ایجاد معنا در عالم اعتبار می‌کنند، اما ایشان این مفهوم را رد کرده و می‌گویند که الفاظ، چه خبری و چه انشائی، صرفاً حکایت از حقایق نفسانی دارند.

• **کاربرد در بحث‌های اصولی**
این نظریه تأثیر زیادی در مباحث اصولی دارد. به‌عنوان مثال، در بحث الفاظ و اینکه آیا الفاظ برای طبعیاب یا مصادیق وضع شده‌اند، نظریه مرحوم حائری منبای جدیدی ارائه می‌دهد. ایشان معتقد است که الفاظ انشائی، از جمله صیغه‌هایی مانند «اضرِب»، برای حکایت از مصادیق خاص (مانند اراده خاص در نفس) وضع شده‌اند.

• **ابداع مرحوم حائری**
این نظریه که انشاء، حکایت از حقیقتی در نفس می‌کند و نه ایجاد یک واقعیت جدید، یکی از نوآوری‌های مهم مرحوم حائری است و با دیدگاه‌های مشهور تفاوت دارد.

• نتیجه‌گیری مرحوم شیخ عبدالکریم حائری از بحث صیغه‌افعل در علم اصول

مرحوم شیخ عبدالکریم حائری از بحث صیغه «افعل»، نتایج مهمی در علم اصول گرفته است. ایشان معتقد است که صیغه‌های امر مانند «افعل»، نه به‌صورت ذاتی برای وجوب وضع شده‌اند و نه به‌دلیل کثرت استعمال. به‌اعتقاد وی، صیغه «افعل» حکایت از اراده متکلم می‌کند و میزان قطعیت یا عدم قطعیت اراده، وجوب یا عدم وجوب آن را مشخص می‌کند.



• نقد نظریه مشهور درباره صیغه‌افعل

در نظریه مشهور، گفته می‌شود که صیغه «افعل»، برای وجوب وضع شده و این امر از طریق وضع لغوی یا حتی به‌دلیل کثرت استعمال در وجوب به دست آمده است. برخی نیز معتقدند که وضع تعیینی به‌دلیل تکرار استعمال صیغه در وجوب ایجاد شده است. همچنین، مرحوم نائینی معتقد است که رابطه میان بنده و مولی، به‌طور ذاتی وجوب را در پی دارد؛ یعنی هرگاه مولی از بنده خواسته‌ای داشته باشد، عقل بنده را به امثال امر مولی وادار می‌کند و از این جهت، به‌طور عقلانی وجوب برداشت می‌شود.

• دیدگاه مرحوم حائری

مرحوم حائری اما دیدگاه متفاوتی ارائه می‌دهد. وی معتقد است که خود لفظ «افعل» به‌تنهایی دلالتی بر وجوب ندارد؛ بلکه اراده متکلم و قرائن موجود در گفتار تعیین‌کننده وجوب یا عدم وجوب آن است. اگر از قرائن فهمیده شود که اراده متکلم حتمی است، این امر به وجوب دلالت می‌کند و اگر اراده غیرحتمی باشد، نتیجه آن غیروجوب خواهد بود؛ بنابراین، برای تشخیص وجوب یا عدم وجوب، به قرینه نیاز است.

• ابتکار مرحوم حائری در این نظریه

مرحوم حائری با این رویکرد، نظریه‌ای جدید و متفاوت از نظریات پیشین ارائه کرده است. به‌گفته وی، این نظریه از نوآوری‌های خود ایشان است و در کلمات فقهی و اصولی علمای قبل از مرحوم حائری، به این صراحت و تفصیل وجود ندارد. هرچند برخی از آقایان اشاره کرده‌اند که در آثار مرحوم محقق رشتی نیز اشاراتی به این مسئله وجود دارد، اما به‌گفته مرحوم حائری، چنین نظریه‌ای به این وضوح و استدلال در آثار گذشتگان وجود ندارد.

• ثمرات عملی این نظریه در مباحث اصولی

این نظریه در بسیاری از مباحث اصولی کاربرد دارد؛ از جمله در بحث اینکه آیا صیغه‌های امر برای وجوب وضع شده‌اند یا خیر. با توجه به این نظریه، می‌توان به این نتیجه رسید که صیغه‌های امر مانند «افعل» نه به‌طور ذاتی برای وجوب وضع شده‌اند و نه به‌دلیل کثرت استعمال؛ بلکه اراده و قرائن نقش کلیدی در تبیین وجوب یا عدم وجوب دارند.

• تحلیل بحث جبر و اختیار در فلسفه اخلاقی و اصولی

بحث جبر و اختیار یکی از پیچیده‌ترین مسائل در فلسفه اخلاقی و اصولی است که در آثار فلاسفه و اصولیان مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری، یکی از بزرگترین فلاسفه و اصولیان معاصر، در تحلیل این مسائل گام‌های مهمی برداشته است.

۱. مشکل در فهم اراده و اختیار

در بحث جبر و اختیار، یکی از نکات مهم تفکیک میان اراده و اختیار است. مرحوم آخوند خراسانی در این زمینه می‌فرماید که برای اختیاری بودن یک فعل، لازم است که مسبوق به اراده باشد. اما در اینجا با اشکالی مواجه می‌شویم: اراده خود از ممکنات است و به خودی خود نیاز به علت دارد. این علت یا باید اراده دیگری از همان شخص باشد که در این صورت، به تسلسل می‌انجامد و یا مسبوق به اراده خداوند باشد که در این صورت، جبر لازم می‌آید. به‌عبارت دیگر، اگر اراده به یک اراده دیگر نیاز داشته باشد، به تسلسل می‌انجامد و اگر مسبوق به اراده خداوند باشد، به جبر می‌انجامد.

این اشکال به نظر مرحوم محقق عراقی که معتقد است، مرحوم آخوند نتوانسته این مسئله را حل کند، بسیار جدی است. این مسئله، باعث می‌شود که بحث جبر و اختیار به‌طور کامل حل نشده باقی بماند.

۲. دیدگاه‌های مختلف پس از آخوند

پس از مرحوم آخوند، برخی از بزرگترین فلاسفه و اصولیان، نظرات مختلفی در این زمینه ارائه دادند:

۱. **نظریه مرحوم اصفهانی:** ایشان معتقد بودند که اراده باید مسبوق به اراده باشد تا فعل، اختیاری شود. اما سؤال اینجاست که این اراده از کجا آمده است؟ مرحوم اصفهانی می‌فرماید: این مسئله تفاوتی در اختیاری بودن فعل ندارد. اگر اراده معلول، اراده خداوند باشد، این بدان معنا نیست که فعل از اختیاری بودن خارج می‌شود.

۲. **نظریه مرحوم نائینی:** ایشان نیز در این زمینه نظرات متفاوتی از مطرح کردند، اما پیچیدگی‌های این بحث همچنان باقی است.

۳. **نظر مرحوم حائری:** مرحوم حائری، برای حل این معضل، یک دیدگاه جدید ارائه دادند. ایشان می‌فرمایند: لزوم تسلسل تنها در صورتی اتفاق می‌افتد که علت اراده، منحصر به اراده خود شخص باشد. اما اگر علت اراده به چیزی خارج از اراده خود شخص، مانند اراده خداوند یا جهت خاصی در اراده، مربوط باشد، دیگر نیازی به اراده اضافی نیست.

۳. تحلیل دقیق‌تر مشکل و رفع اشکال

مرحوم حائری در تلاش برای رفع اشکال تسلسل، مسئله جهت در اراده را مطرح کردند. ایشان می‌فرمایند که اگر علت اراده، خود متعلق اراده باشد، دیگر نیاز به اراده دیگری نخواهیم داشت؛ به‌عبارتی، وقتی اراده برای تحقق یک هدف خاص باشد و علت این اراده در خود هدف یا مراد نهفته باشد، نیازی به اراده دیگری برای تحقق آن هدف نیست.

اما در صورتی که علت اراده به خود اراده مربوط باشد، نیاز به اراده جدید احساس می‌شود. به‌عبارت دیگر، اگر اراده برای تحقق چیزی که خود، در آن وجود دارد (مانند

۶. روش‌های آموزش اخلاق در یک سده اخیر

حوزه علمیه قم، ابوالفضل احمدی کاشانی؛

۷. «اخلاق علم‌آموزی» در آثار علمی و سیر عملی عالمان دینی یکصدسال اخیر حوزه علمیه قم، زهرا وفاطی.

• دوفصلنامه «حدیث و اندیشه»

سی و دومین شماره دوفصلنامه «حدیث و اندیشه» ویژه یکصدمین سال بازتأسیس حوزه علمیه قم، با مدیریتسئولی سیدعلی قاضی‌عسکر و از سوی دانشگاه قرآن و حدیث با محوریت سیر دانش حدیث در حوزه علمیه قم چاپ و منتشر گردید.

عناوین مقالات

۱. جریان‌شناسی رویکردهای حدیثی حوزه علمیه قم از ابتدای بازتأسیس تاکنون، محمد حائری شیرازی؛

۲. سیر تطور مواجهه علما با احادیث سیاسی پس از بازتأسیس حوزه علمیه قم تاکنون، سیدمحمدآل سیدغفور؛

۳. روش‌شناسی تصحیح متون حدیثی در یکصد سال اخیر حوزه علمیه قم، یاسین پورعلی قراچه و مهرداد چوپانی؛

۴. مطالعات حدیثی مقارن در یکصد سال

اخیر حوزه علمیه قم، ابوالفضل فتوحی؛

۵. واکنش علمای حوزه علمیه قم به مسئله تغییر خط فارسی در سده اخیر، کاظم استادی؛

۶. سیر ترجمه‌های فارسی نهج‌البلاغه در سده

اخیر، علی خنیفرزاده؛

۷. قرب و بعد علم کلام و حدیث در حوزه علمیه قم دوم (سده چهاردهم شمسی)، رسول رضوی؛

۸. درآمدی بر وضعیت‌سنجی دانش رجال در سده اخیر حوزه علمیه قم، مهدی غلامعلی؛

۹. حوزه علمیه قم و چشم‌انداز پژوهش‌های

آینده حدیثی، سیدمحمدکاظم طباطبایی؛

۱۰. غلوپژوهی در حوزه معاصر شیعی و جایگاه آن در مطالعات روایی، عمیدرضا اکبری؛

۱۱. حوزه‌های علمیه شیعه و قانون‌گذاری

مبتنی بر فقه؛ از انقلاب مشروطه تا انقلاب

اسلامی، ابراهیم شفیعی سروسستانی؛

۱۲. مورزی برگسترش و بالندگی رویکرد اخلاق نقلی در بستر حوزه علمیه قم، سید محمدباقر میرصانع.

لینک نشریه: www.magiran.com

• ویژه‌نامه حوزه صد ساله / ۵

یک جهت خاص) باشد، دیگر نیازی به اراده دیگری نیست. این نوع تفکر، از پیچیدگی‌های بحث جبر و اختیار می‌کاهد و به‌نوعی، مسئله تسلسل را حل می‌کند.

۴. مثال عملی برای فهم بهتر

برای توضیح بیشتر، می‌توان به مثالی اشاره کرد. فرض کنید فردی قصد خوردن غذایی را دارد که بسیار خوشمزه است و با طبع او کاملاً سازگار است. در این‌صورت، اراده او کاملاً اختیاری است؛ اما اگر همین فرد بخواهد، غذایی را بخورد که باعث اذیت دیگران یا بی‌احترامی به آنها می‌شود، این اراده در تضاد با طبع او قرار دارد. در این حالت، او باید بین این دو جهت اراده تصمیم‌گیری کند. اگر تصمیم به انجام فعل دوم بگیرد، این به‌معنای ترجیح اراده اول است و به‌همین دلیل فعل اختیاری او به حساب می‌آید.

• نتیجه‌گیری

بحث جبر و اختیار، همواره یکی از چالش‌های بزرگ در فلسفه و اصول فقه بوده است. دیدگاه‌های مختلفی از جمله نظریه‌های مرحوم آخوند، اصفهانی، نائینی و حائری در حل این مشکل ارائه شده است. در نهایت، به نظر می‌رسد که مرحوم حائری با معرفی مفهوم جهت در اراده توانسته تا حد زیادی این معضل را حل کند و به یک فهم جدید از فعل اختیاری دست یابد.

اراده و تعلق آن به افعال: تحلیل تفاوت‌ها و نوآوری‌های شیخ در برخی مباحث فلسفی، به‌ویژه در تحلیل اراده و ارتباط آن با افعال اختیاری، مرحوم شیخ نکات جدیدی را مطرح کرده است که به‌وضوح با نظرات پیشین متفاوت است. در اینجا، بحث بر سر چگونگی تعلق اراده به افعال است و آیا در خود اراده، جهتی برای فعل وجود دارد یا خیر.

۱. وجود جهت در خود اراده

شیخ با مثالی از قصد اقامت «عشره ایام» اشاره می‌کند که در این مثال، خود اراده دارای جهتی است؛ به‌عبارت دیگر، اگر کسی قصد اقامت روزهای خاصی را داشته باشد، در ذات اراده، جهت آن (یعنی قصد عشره ایام) موجود است. این جهت به خودی خود، بر اراده تعلق می‌گیرد و در صورت پیش آمدن مشکل یا نیاز به تغییر (مثلاً در نماز چهار رکعتی)، اراده باید بازنگری شود و هیچ‌گونه تأخیر یا توقفی در این اراده مجاز نیست.

۲. نیازی به اراده دوم

ایشان نتیجه می‌گیرند که هرگاه اراده‌ای به یک فعل تعلق گیرد، اگر در ذات اراده جهتی وجود داشته باشد، دیگر نیازی به اراده دوم برای انجام آن فعل نخواهد بود. به‌عبارت دیگر، اگر اراده‌ای به چیز خاصی تعلق گیرد و جهت آن در خود اراده موجود باشد، این اراده به خودی خود، برای تحقق آن فعل کافی است.

این نظر با دیگر نظرات اصولی متفاوت است؛ زیرا در مواردی که اراده نیاز به جهت‌گیری یا تصمیم جدیدی داشته باشد، اراده دوم ضروری است؛ اما در صورتی که اراده‌ای مستقلاً از یک جهت خاص برخوردار باشد، نیازی به اراده دوم ندارد.

۳. مناقشه مرحوم محقق عراقی

در مقابل نظر شیخ، مرحوم محقق عراقی معتقد است که مصلحت باید در متعلق اراده باشد و نه در خود اراده. او تأکید دارد که اگر اراده‌ای در خود مصلحت داشته باشد، هیچ معنایی ندارد و این امر باید به اراده‌ای نسبت داده شود که به یک موضوع خاص تعلق داشته باشد. از نظر او، اراده نمی‌تواند صرفاً به‌دلیل مصلحت در ذات خود تحقق یابد.

۴. ابداع شیخ در حل مسئله جبر و اختیار

یکی از نقاط قوت شیخ در حل مسئله جبر و اختیار، این است که او معتقد است، اراده می‌تواند خود به خود و بدون نیاز به اراده دیگری تحقق یابد؛ زیرا در ذات خود، جهت و مصلحت دارد. به نظر شیخ، اراده‌ها می‌توانند به‌دلیل جهت خاصی که در آن‌ها نهفته است، بدون نیاز به اراده دوم یا خارجی شکل گیرند. این نوآوری از آنجا ناشی می‌شود که شیخ قادر است، این مسئله را بدون نیاز به استناد به اراده‌های دوم یا خارجی توضیح دهد.

۵. تفاوت با دیدگاه‌های دیگر

نظر شیخ با دیدگاه‌های دیگر، نظیر نظریه ملاصدرا که براین باورند که اراده دارای جهت در ذات خود است، تفاوت‌های بنیادینی دارد. شیخ می‌گوید که اگر اراده در ذات خود جهت و مصلحت داشته باشد، دیگر نیازی به اراده دیگری نخواهد بود؛ برخلاف دیگران که معتقدند، اراده همیشه به چیزی خارج از خودش تعلق دارد.

در نهایت، با بررسی دقیق‌تر این بحث‌ها می‌توان گفت که شیخ در حل مسئله جبر و اختیار، به رویکرد جدیدی دست یافته است که نشان‌دهنده نوآوری و تحلیل‌های عمیق‌تری در این زمینه است.

معرفی نشریات سده حوزه

• دوفصلنامه «قرآن‌شناخت»

سی و دومین شماره دوفصلنامه علمی-پژوهشی «قرآن‌شناخت» ویژه کنگره یکصدمین سال بازتأسیس حوزه علمیه قم، با مقالاتی خواندنی به مدیریتسئولی آیت‌الله محمود رحبی و سردبیری حجت‌الاسلام غلامعلی عزیزی‌کیا منتشر و در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفت.

عناوین مقالات

۱. مکانب تفسیری رایج در حوزه علمیه قم در سده اخیر، علی‌اکبر بابایی؛

۲. سیر تطور دانش و نگارش‌های علوم قرآنی

حوزه علمیه قم در سده اخیر، روح‌الله شهیدی؛

۳. حجم آثار علمی اثرگذار حوزه علمیه قم در

زمینه علوم قرآن در سده اخیر، علی‌اوسط باقری؛

۴. حاکمیت دینی در اندیشه و آثار تفسیری

عالمان حوزه علمیه قم در سده اخیر، محمدجواد

نوروزی فرانی؛

۵. مقابله حوزه علمیه قم با جریان‌های انحرافی

سده اخیر در عرصه تفسیر و علوم قرآن، علیرضا

عظیمی‌فر؛

۶. روش‌های تدریس و آموزش تفسیر قرآن در

حوزه علمیه قم در سده اخیر، عباس الهی؛